



برخلاف آنچه در تحلیل های داخلی گفته می شود
محبوبیت نتانیاهو با وجود وضعیت شکننده
پس از ۷ اکتبر تغییر چندانی نکرده است

راز پابرجایی محبوبیت بی بی



پوریا سلطانی زاده

اسرائیل این روزها درگیر بحرانی عمیق است؛ بحرانی که نه تنها مرزهای نظامی و سیاسی را به چالش کشیده، بلکه در قلب جامعه نیز دو دستگی و نگرانی به وجود آورده است. جنگی که برای پایان آن هیچ چشم اندازی متصور نیست و فشارهای داخلی و خارجی را بر دولت بنیامین نتانیاهو چند برابر کرده است. این هفته، دولت نتانیاهو یکی از سنگین ترین ضربه های خود را دریافت کرد؛ یکی از احزاب ارتدوکس که بخش مهمی از ائتلاف حکومتی به شمار می رفت، اعلام کرد از دولت خارج می شود و این اتفاق باعث شد اکثریت کرسی های نتانیاهو در کنست به تنها یک کرسی کاهش یابد. حزب دیگری نیز به دنبال این موضوع، تهدید به خروج کرده و این مسئله، تزلزل دولت را بیشتر به نمایش گذاشته است. در همین حال، اعتراضات گسترده داخلی در کنار محکومیت های شدید بین المللی به خاطر نحوه برخورد اسرائیل با فلسطینی ها در غزه، دولت را در موقعیتی خاص قرار داده است.

یکی از مهم ترین مسائل در حال حاضر، پرونده گروگان های عملیات طوفان الاقصی است که همچنان در اختیار نیروهای حماس هستند. مذاکرات برای آزادی آن ها هنوز به نتیجه ای نرسیده و شرایط پیچیده و طاقت فرساست. سفر نتانیاهو به واشنگتن و دیدار با دونالد ترامپ نیز بدون پیشرفت قابل توجهی پایان یافت.

تصاویر از دریچه دوربین های ارتش

دالیا بیندلین که بیش از ۲۵ سال است در مرکز افکارسنجی عمومی و کمپین های سیاسی در اسرائیل فعالیت جدی دارد، این سفرایی هیچ دستاورد ملموسی توصیف کرد. او افزود: «فشار خانواده های گروگان ها و انتظارات عمومی برای آزادی سریع آن ها، از مهم ترین دغدغه های جامعه اسرائیل است، اما تمایلی نتانیاهو برای پایان جنگ هنوز قابل مشاهده نیست.»

اما سؤال مهمی که این روزها در مجامع مهم خبری شنیده می شود این است که «آیا مردم اسرائیل واقعاً از ابعاد ویرانی های غزه و کشتار مردم عادی مطلع هستند؟» دالیا بیندلین می گوید: «اگرچه تقریباً همه مردم به رسانه ها و شبکه های اجتماعی دسترسی دارند، اما رسانه های اصلی اسرائیل معمولاً تصاویر دردناک انسانی و ویرانی های غزه را به گونه ای منعکس نمی کنند که تأثیرگذار باشد. اگرچه در خود رسانه های اسرائیلی هم این شکاف پوشش مطرح شده و برخی حتی از جناح چپ افراطی هم معتقدند باید تصاویر انسانی بیشتری از غزه پخش شود، اما آنچه مردم می بینند، بیشتر تصاویر ویدئویی ارتش اسرائیل از دوربین های بدنه یا خبرنگارانی است که همراه ارتش هستند. این تصاویر طوری تدوین می شود که در ذهن مردم این تصور را ایجاد می کند «کاری که باید انجام دهیم، انجام می دهیم.» تخریب را می بینند، ساختمان ها و محله های نابود شده را هم می بینند، اما کشته شدن انسان های بی گناه را نه.»

از دیدگاه اجتماعی، ریشه نگرش غالب در اسرائیل این است که «غزه را در ۲۰۰۵ واکذا کردیم و حالا نتیجه اش این است.» اما این باور بر اساس اطلاعات نادرستی

است. اسرائیل هنوز کنترل وسیعی بر کرانه باختری و غزه دارد و سیاست های امنیتی اش بر این مناطق تأثیرگذار است. بسیاری از اسرائیلی ها نمی توانند خود را قانع کنند که این کنترل همچنان وجود دارد و این یکی از دلایلی است که باعث می شود قبول نکنند که جنگ باید متوقف شود و معتقد به ادامه جنگ هستند. اینجاست که با یک گزاره متناقض طرف هستیم. جامعه اسرائیل پس از عملیات طوفان الاقصی، در بحرانی بی سابقه از نظر سیاسی، اجتماعی و روانی گرفتار شده است. با وجود حمایت مردم از پایان جنگ و آزادی گروگان ها، ساختار سیاسی حاکم با لجاجتی بی سابقه در برابر این خواست ایستاده است. در بطن این وضعیت، نقش بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و دولت راست گرای افراطی او به یکی از عوامل اصلی شکاف های اجتماعی و بی اعتمادی عمومی بدل شده است.

متضاد و چندلایه مثل جامعه اسرائیل

افکارسنجی هاطی ماه های اخیر تصویری متضاد و چندلایه از جامعه اسرائیل ارائه داده اند. درحالی که حدود ۷۵ درصد از جامعه اسرائیل خواهان پایان فوری جنگ و آزادی همه گروگان ها هستند، محبوبیت نتانیاهو با وجود سقوط شدید در روزهای آغاز جنگ. از بهار ۲۰۲۴ روند بهبودی اما پایدار را تجربه کرده است. پس از ۷ اکتبر که امنیت داخلی اسرائیل به شدت زیر سؤال رفت، نتانیاهو و دولتش با سقوطی بی سابقه در نظرسنجی ها مواجه شدند. در برخی موارد، از ۲۵ تا درصد از رقبای اپوزیسیون عقب افتاده بود.

با این حال، از آوریل ۲۰۲۴، محبوبیت او و دیگر احزاب ائتلاف به تدریج رو به بهبود گذاشت و تا پایان همان سال به سطح پیش از جنگ در سال ۲۰۲۳ بازگشت. هرچند آن ها هنوز به سطح محبوبیت خود در انتخابات ۲۰۲۲ نرسیده اند، اما از وضعیت بحرانی پس از جنگ نیز فاصله گرفته اند. تحلیلگران معتقدند این بازگشت نه ناشی از احساس پیروزی در غزه، بلکه نتیجه اقدامات تهاجمی اسرائیل علیه نیروهای مقاومت در منطقه بوده است. همچنین ترور فرماندهان حزب الله و نیروهای سپاه قدس در دمشق، تهران و بیروت، تصویر قدرت نمایی نظامی مجدد اسرائیل را به بخشی از جامعه اسرائیل القا کرده است. این اقدامات، هرچند محبوبیت نتانیاهو را تا حدی ترمیم کرد، اما سقفی برای این بازگشت وجود دارد؛ حتی اقداماتی به شدت نمادین نظیر ترور شهید سید حسن نصرالله یا اسماعیل هنیه نیز باعث جهش تازه ای در محبوبیت او نشد.

جنگ با ایران هم نتوانست...

در این میان، جنگ مستقیم با ایران نیز به رغم ابعاد گسترده اش، نتوانست حمایت عمومی از دولت را افزایش دهد. با وجود آن که اکثریت مردم اسرائیل این نبرد را نوعی پیروزی تلقی کردند، نظرسنجی ها نشان دادند که محبوبیت نتانیاهو تغییر محسوسی نکرده است. این پدیده برای بسیاری از ناظران و حتی متخصصانی که سال هاست در حوزه افکارسنجی در اسرائیل فعالیت دارند، شوکه کننده بود.

صداز «میدان گروگان ها»

در سطح اجتماعی، بازتاب این نارضایتی گسترده را می توان در اعتراضات میدانی مشاهده کرد. از چند هفته پس از ۷ اکتبر، اعتراضاتی سازمان یافته و پیوسته در نقاط مختلف اسرائیل به راه افتاد. این اعتراضات در امتداد جنبش گسترده و بی سابقه سال ۲۰۲۳ بود که در مخالفت با طرح اصلاحات قضایی نتانیاهو، هر هفته ده ها هزار نفر را به خیابان ها می کشاند. اما در فاز جدید، تمرکز اصلی معترضان بر دستیابی به توافقی برای آزادی گروگان ها و پایان جنگ قرار گرفت.

در تل آویو، «میدان گروگان ها» به نمادی از این اعتراضات بدل شده است. خانواده های گروگان ها با چادرهای اعتراضی و نمایشگاهی دائمی، هر عصر شبانه تظاهراتی را فریاد می زنند: «آزادی گروگان ها». آنان سعی می کنند از نقد مستقیم دولت پرهیز کنند تا پیامشان فراگیر باقی بماند. در مقابل، گروهی بزرگ تر، همان شب در میدانی دیگر گرد هم می آیند. این گروه که گاه ده ها هزار نفر را شامل می شود، بی پرده از دولت انتقاد می کنند. آنان نتانیاهو را به فساد، حمله به نهادهای دموکراتیک و ائتلاف با نیروهای مذهبی افراطی متهم می کنند. فضای این تجمعات بسیار خشمگینانه تر است. مردم شعاری می دهند، راهپیمایی می کنند و گاه به تظاهر کنندگان «میدان گروگان ها» می پیوندند.

در حاشیه این دو جریان، گروه هایی کوچک تر نیز حضور دارند که دیدگاه های ضد جنگ و ضد اشغال دارند. آنان خواهان پایان حکومت نظامی بر فلسطینی ها، تحقق برابری و تشکیل کشور مستقل فلسطینی هستند. برخی از آن ها حتی دعوت به نافرمانی نظامی کرده اند. اگرچه این گروه ها در اقلیت اند، اما حضور منظم و پیگیریشان بر فضای اعتراضی تأثیرگذار است.

اما آیا این اعتراضات و نارضایتی وسیع در سطح جامعه تأثیری عملی بر ترکیب قدرت در کشور داشته است؟ پاسخ منفی است. در ساختار حقوقی و سیاسی اسرائیل، راه مستقیمی برای تبدیل نارضایتی عمومی به سقوط دولت وجود ندارد. این کشور، نظامی پارلمانی و چند حزبی دارد و تغییر دولت فقط از مسیر پارلمان ممکن است. هرچند دولت ها گاهی پیش از پایان دوره قانونی کناری روند، اما این تنها وقتی اتفاق می افتد که اکثریت اعضای کنست (پارلمان) رأی به انحلال بدهند. برای رسیدن به این اکثریت، لازم است برخی از احزاب عضو ائتلاف حاکم، از دولت جدا شده و با اپوزیسیون همراه شود. بنابراین حتی گسترده ترین نارضایتی های مردمی هم لزوماً باعث فروپاشی دولت نمی شود، مگر این که درون خود ائتلاف شکاف ایجاد شود. در گذشته فشار افکار عمومی در مواردی تأثیر گذاشته، مثلاً بعد از جنگ یوم کیپور که تظاهرات گسترده ای شکل گرفت. اما حتی آن زمان هم دولت سقوط نکرد، بلکه نخست وزیر استعفاداد. پس از نظر نهادهای دولت الزامی برای گوش دادن به مردم ندارد. در شرایط فعلی، دولت اسرائیل احساس مسئولیت پذیری نسبت به اکثریت مردم ندارد. نه برای شکست در ۷ اکتبر، نه برای آزاد نکردن گروگان ها و نه حتی برای ناکامی های متعدد دیگر. آن ها کاملاً آگاهند که اکثریت مردم خواهان کمیتة تحقیق مستقل برای ۷ اکتبر، خدمت سربازی برای ارتدوکس های افراطی و توافق کامل برای آزادی گروگان ها و پایان جنگ هستند. اما این ها دولت را تحت تأثیر قرار نمی دهد.